



Vol. 12 | Issue. 44 | 2025 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.521414.1421>

Content Analysis of the Philosophical Foundations of the Theory of Political Progress Based on the Opinions and Views of Ayatollah Khamenei

Mohammad Ali Nazari 

Faculty member, Islamic Azad University, Science and Research Branch.

m.a.nazary@iaau.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Received: 2025 /06 /24</p> <p>Revised: 2025 /07 /05</p> <p>Accepted: 2025 /07 /10</p> <p>Published Online: 2025 /07 /22</p>	<p>one of the important and influential issues over the past two centuries has been the issue of political progress. In each political period that ruled Iran, different answers and priorities have been expressed to shape the issue of political progress and development based on intellectual foundations and political and social conditions. With the establishment of the Islamic Republic of Iran, the issue of political progress was given serious attention. Therefore, in order to achieve a comprehensive theory that has the ability to solve the problem, this research tries to answer the question using the content analysis method: What are the philosophical foundations of the theory of political progress based on the opinions and views of Ayatollah Khamenei? The philosophical foundations of the theory of political progress in the thought of Ayatollah Khamenei are within the framework of the rule of Islam and its values, principles, and political foundations in the socio-political life of Iranians. The philosophical foundations are based on ontology, epistemology, and anthropology. Ontology, based on the discourse of the sovereignty of God, depicts the free and conscious human activism based on revealed and rational knowledge to achieve the desired society.</p> <p>Keywords: Ayatollah Khamenei, political progress, ontology, epistemology, anthropology</p>



تحلیل مضمون مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی بر اساس آرا و دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

محمدعلی نظری

استادیار گروه فلسفه، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

m.a.nazary@iau.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
یکی از مسائل مهم و اثرگذار در طول دو سده گذشته مسئله پیشرفت سیاسی بوده است، در هر دوره سیاسی حاکم بر ایران بر اساس مبانی فکری و شرایط سیاسی و اجتماعی پاسخ‌ها و اولویت‌های متفاوتی را برای شکل‌دهی به مسئله پیشرفت و توسعه سیاسی بیان شده است، با استقرار جمهوری اسلامی ایران تأکید بر مسئله پیشرفت سیاسی مورد توجه جدی قرار گرفت؛ از این رو، برای دستیابی به نظریه‌ای جامع که توانایی حل مسئله را داشته باشد؛ لذا این پژوهش سعی دارد با استفاده از روش تحلیل مضمون به این سؤال پاسخ دهد که مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی بر مبنای آرا و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ لازم به ذکر است تاکنون اثری جامع با رویکردی استقرایی و مسئله محور باهدف تبیین مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی با این موضوع به رشته تحریر درنیامده و از این رو از نوآوری در موضوع و روش برخوردار و اولین کار جدی علمی در این حوزه است، مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در چهارچوب حاکمیت اسلام و ارزش‌ها، اصول و مبانی سیاسی آن در زندگی اجتماعی سیاسی ایرانیان است. مبانی فلسفی مبتنی بر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی تمرکز دارد، هستی‌شناسی بر اساس گفتمان حاکمیت الله، با کنشگری انسان آزاد و آگاه و بر اساس معرفتی وحیانی و عقلانی برای رسیدن به جامعه مطلوب را به تصویر می‌کشد.	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹</p> <p>انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱</p> <p>صفحات: ۱۳۹-۱۶۸</p>
کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، پیشرفت سیاسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی.	

مقدمه

یکی از دل‌مشغولی‌های اجتماعی و سیاسی عمده کارگزاران هر حکومتی به موضوع پیشرفت و بهبود کیفیت حکمرانی روابط بین اجتماع و سیاست و حکومت مربوط می‌شود. در این بین، تحول و دگرگونی در حوزه سیاست به‌طور عام به سیاست‌گذاری از بالا و فعالیت‌ها و روابط سیاسی بین نیروهای جامعه سیاسی اولویت داشته است. این موضوع در طول چند سده گذشته، در مکاتب مختلف اندیشه سیاسی مطرح بوده است و هر یک از مکاتب در هر سرزمین و موقعیت تاریخی و جغرافیایی سعی کرده‌اند با توجه به مبانی اندیشه‌ای و شرایط سیاسی و اجتماعی خود به آن پاسخ داده و راهبردهایی برای رسیدن به آن تعیین نمایند.

در این چهارچوب، در طول دوران حیات نظام جمهوری اسلامی در ایران، همواره دیدگاه‌های مقامات و نخبگان رده بالای نظام برای طراحی و پیگیری الگوها و قالب‌های تحول و پیشرفت سیاسی از کارکرد و تأثیرگذاری بنیادینی برخوردار بوده‌اند. از سوی دیگر، نیز با توجه به ویژگی تئوکراتیک برجسته نظام سیاسی جمهوری اسلامی، مقامات سیاسی عمده، به‌خصوص در جایگاه رهبری، از ویژگی‌های نظری عمده‌ای نیز برخوردار بوده‌اند که طراحی و پیگیری الگوی فوق را برجسته‌تر ساخته است. این دو وجه از حیات سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی آن‌چنان تأثیرگذار بوده‌اند که در اجزای مختلف قانون اساسی به تبلور عینی و نهادی درآمده‌اند؛ بنابراین برای شناخت فضای تحولات سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی ضروری است تا از یک سو دیدگاه‌ها و اصطلاحاً کنش‌های گفتمانی، مقامات و رهبران عمده سیاسی نظام جمهوری اسلامی مدنظر باشد و از سوی دیگر نیز باید جایگاه این دیدگاه و موقعیت نهادی رهبران سیاسی در قالب قانون اساسی را لحاظ کرد تا حد و حدود و امکان تأثیرگذاری آنان بر پویا دگرگونی‌های سیاسی ایران با چشم‌اندازی واقعی بررسی شوند.

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان اثرگذار در انقلاب اسلامی و یکی از کارگزاران اصلی در مراحل مختلف انقلاب از ابتدای شکل‌گیری نهضت اسلامی تا پس از پیروزی مدنظر است. بعد از رحلت امام و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان به‌عنوان مهم‌ترین مقام سیاسی در قانون اساسی و نظریه‌پرداز در انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، پس از رحلت امام، ضروری است تا دیدگاه‌ها و چهارچوب‌های نظری و سیاسی

تحول و پیشرفت سیاسی در طول دوران زعامت و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای شناسایی و تدقیق شود تا مسیر پیشروی آینده پوییش دگرگونی‌های سیاسی در ایران با چشم‌انداز مدنظر نخبگان سیاسی و رأس هرم نظام سیاسی هماهنگ باشد. با این توضیحات، دغدغه عمده این پژوهش بر مبنای آرا و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای تبیین مبانی فلسفی (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی) و ارتباط آن با مسئله پیشرفت سیاسی است، اهمیت و ضرورت درک مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی منجر به حفظ و تقویت انسجام نظام جمهوری اسلامی ایران است، شناسایی و تدقیق چهارچوب‌های پیشرفت سیاسی بر اساس آرا و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای برای طراحی الگویی عملی سیاسی است که نهایتاً می‌تواند نظریه‌ای بومی را برای تبیین دگرگونی و پیشرفت سیاسی در اختیار بگذارد؛ و ضرورت توجه به الگوهای بومی در حل چالش‌های پیش رو نظام سیاسی باید مورد توجه جامعه علمی قرار گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

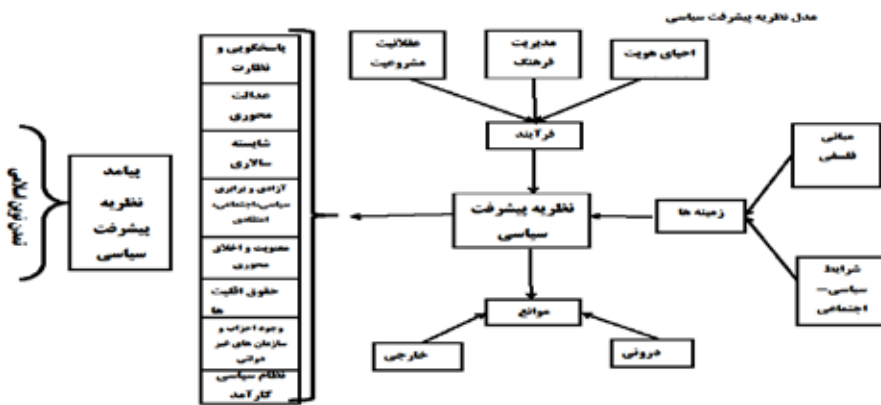
پیشینه پژوهش به سه دسته ۱. آثار مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کتاب‌ها و مقالات مرتبط با مبانی پیشرفت؛ ۲. کتاب‌ها، مقالات و رساله‌های مستقل درباره پیشرفت اسلامی-ایرانی؛ ۳. مطالعات مرتبط با آیت‌الله خامنه‌ای است تقسیم می‌شود. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با انتشار آثاری مانند دین و پیشرفت و درآمدی بر فرایند تدوین الگو به تبیین مبانی نظری پیشرفت با رویکرد اسلامی-ایرانی پرداخته است. همچنین تحقیقات مستقلی مانند معینی پور (۱۳۹۱) و نوروزی (۱۳۹۶) بر مفاهیمی مانند عدالت سیاسی، مشارکت مردمی و تفاوت پیشرفت اسلامی با توسعه غربی تمرکز دارند؛ و مطالعاتی که مهاجرنیا (۱۳۹۵) و صدیقی و دیگران (۱۳۹۶) پیرامون اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای انجام داده‌اند. تفاوت‌های این اثر با سایر پژوهش‌ها این است که این پژوهش بر رویکرد درونی و استقرامحوری تأکید دارد؛ اما بیشتر پژوهش‌های موجود به مقایسه الگوی غربی با جمهوری اسلامی پرداخته‌اند؛ اما این تحقیق با استناد مستقیم به اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی را از درون نظام اسلامی استخراج می‌کند. پیشینه‌های پیشین عمدتاً توصیفی است؛ اما این پژوهش با روش استقرایی و تحلیل کلیدواژه‌ها، به دنبال ارائه یک چهارچوب نظری نظام‌مند است. این مطالعه به‌جای تمرکز صرف بر مفاهیم کلی، چالش‌های فلسفی پیشرفت سیاسی را با رویکردی مسئله

محور بررسی کرده است. پیشینه تحقیق نشان می‌دهد بیشتر مطالعات پیشرفت سیاسی در ایران یا به تطبیق با الگوی غربی پرداخته یا به توصیف اندیشه رهبران تمرکز داشته‌اند. این پژوهش با تکیه بر آرای آیت‌الله خامنه‌ای و تحلیل محتوای نظام‌مند، می‌کوشد مبانی فلسفی نظریه‌ای بومی برای پیشرفت سیاسی طراحی کند که هم به مبانی اسلامی پایبند باشد و هم پاسخگوی چالش‌های کنونی نظام جمهوری اسلامی باشد.

۲. بیان مفاهیم

۲-۱. پیشرفت سیاسی

پیشرفت سیاسی از واژگان ابداعی آیت‌الله خامنه‌ای است. ایشان پیشرفت را معنای کامل‌تر از توسعه دانسته است؛ زیرا توسعه تنها به رشد و گسترش اشاره دارد؛ ولی پیشرفت مفاهیم و متغیرهای گوناگونی را در برمی‌گیرد. ایشان دیدگاه سیستمی به پیشرفت سیاسی دارند؛ به عبارتی، لازمه دستیابی به پیشرفت سیاسی تلاش برای تحقق پیشرفت در سایر حوزه‌هاست. وی پیشرفت را پدیده‌ای فراگیر، همه‌جانبه، ذوابعد دانسته است، پیشرفت در وحدت و انسجام ملی، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در درک سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده ملی است. نظریه پیشرفت سیاسی، فرایندی است مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و در ارتباط با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی که در طی یک مسیر بلندمدت و بر اساس گفت‌وگو، مدیریت مکتب، فرهنگ، هویت و عقلانیت شکل می‌گیرد. هدف این فرایند، دستیابی به نظامی سیاسی کارآمد و شکل‌گیری جامعه‌ای تحول‌خواه است. نظام سیاسی کارآمد، نظامی است که بر پایه عدالت‌محوری، شایسته‌سالاری، پاسخگویی و نظارت بنا شده باشد. در مقابل، جامعه تحول‌خواه نیز باید بر اصول آزادی و برابری سیاسی و اجتماعی، اعتقادی، نقش‌آفرینی احزاب و سازمان‌های غیردولتی و همچنین محوریت معنویت و اخلاق استوار باشد (نظری، ۱۴۰۲، صص ۲۱۷-۲۱۲).



۲-۲. مبانی فلسفی^۱

مبانی فلسفی به اصول و چهارچوب‌های بنیادینی اشاره دارد که هر نظریه، نظام فکری یا الگوی علمی بر پایه آن استوار می‌شود. این مبانی، چهارچوبی برای تبیین واقعیت‌ها، ارزش‌ها و اهداف یک نظریه ارائه می‌دهند و معمولاً در سه حوزه کلیدی بررسی می‌شوند: هستی‌شناسی^۱، معرفت‌شناسی^۲ و انسان‌شناسی^۳. بررسی می‌گردد. در هستی‌شناسی پرسش محوری واقعیت چیست و چه چیزی وجود دارد؟ که شامل بررسی ماهیت وجود، جهان‌بینی و چستی پدیده‌ها می‌پردازد، در رویکرد اسلامی: واقعیت مبتنی بر توحید و حاکمیت الهی است. در رویکرد مادی‌گرا: واقعیت صرفاً به عوامل مادی و انسانی محدود می‌شود. در معرفت‌شناسی پرسش محوری چگونه می‌توانیم واقعیت را بشناسیم مطرح می‌گردد، منابع و روش‌های کسب معرفت (عقل، تجربه، وحی و شهود) است، در رویکرد اسلامی: ترکیب عقل، وحی و اجتهاد به‌عنوان منابع معرفت. در رویکرد سکولار: تکیه بر عقل ابزاری و علم تجربی به‌تنهایی مورد توجه قرار می‌گیرد، در مقوله انسان‌شناسی پرسش محوری: ماهیت انسان چیست و چه جایگاهی در نظام هستی دارد؟ و بررسی فطرت، اهداف و حقوق انسان. مورد توجه قرار می‌گیرد، در رویکرد اسلامی: انسان فطرتاً الهی دارد و هدفش عبودیت و

1. Philosophical Foundations
2. Ontology
3. Epistemology
4. Anthropology

تعالی است. در رویکرد لیبرال: انسان محور جهان است و هدفش حداکثر سازی لذت و آزادی فردی است. مبانی فلسفی مانند «ستون‌های یک ساختمان» هستند که کل نظریه بر پایه آن‌ها شکل می‌گیرد (نظری، ۱۴۰۲، صص. ۱۹۰-۱۸۲).

۳-۲. روش تحلیل مضمون

تحقیقات کیفی، برخلاف پژوهش‌های کمی که مبتنی بر یک چهارچوب نظری جهت نظریه آزمایشی هستند، از چهارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چهارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد. یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی تحلیل مضمون^۱ است. این روش برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی، داده‌های پراکنده است داده‌های متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke, 2006). مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (Boyatzis, 1998, p. 4). به‌طور کلی، مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (King & Horrocks, 2010, p. 150).

تحلیل مضمون، به چهارچوبی نظری که از قبل وجود داشته باشد، وابسته نیست و از آن می‌توان در چهارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف، استفاده کرد. همچنین تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود، تحلیل مضمون فرایندی است که در اکثر روش‌های کیفی به کار می‌رود؛ و برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی به کار

می‌رود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۳). روش تحلیل مضمون شبیه نظریه داده بنیاد است. در این روش، فرایند کدگذاری داده‌ها بدون تلاش برای انطباق آن با چهارچوب کدگذاری از قبل تهیه شده (قالب مضامین) صورت می‌گیرد. در روش استقرایی، تحلیل مضمون بر اساس داده‌ها انجام می‌شود. در روش قیاسی، تحلیل مضمون بر اساس علاقه نظری یا تحلیلی پژوهشگر به موضوع صورت می‌گیرد؛ لذا این روش بیشتر مبتنی بر فرد تحلیل‌گر است (Boyatzis, 1998, p. 37).

تحلیل شبکه مضمونی را می‌توان به سه بخش تجزیه متن، اکتشاف متن و یکپارچه کردن اکتشافها تقسیم نمود (Attride-Stirling, 2001, p. 390). این مراحل شامل: اول، تحویل یا خرد کردن متن، کدگذاری و تهیه یک چهارچوب کدگذاری تجزیه متن به پاره‌گفتارها با استفاده از چهارچوب کدگذاری؛

دوم، شناخت مضامین، انتزاع مضامین از پاره‌گفتارهای تصحیح مضامین؛ سوم، ساختن شبکه‌های مضمونی، منظم کردن مضامین، یافتن مضامین پایه‌ای، بازآرایی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان دهنده، استخراج مضمون (مضامین) فراگیر، ترسیم شبکه (های) مضمونی، بازبینی و تصحیح شبکه (های) مضمونی؛ چهارم، توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی توصیف شبکه اکتشاف شبکه؛ پنجم، خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی، یکپارچه‌سازی اکتشافها گام ششم: توصیف الگوها می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۹).

تحلیل مضمون، طیف گسترده‌ای از روش‌ها و فنون را در برمی‌گیرد. در فرایند تحلیل مضمون با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق می‌توان از روش‌های تحلیلی مناسب آن استفاده کرد (Wickham & Woods, 2005). تحلیل مضمون، فراتر از معانی مشهود و آشکار محتوای داده‌ها می‌رود و ایده‌ها، مفروضات و مفاهیم نهفته (ایدئولوژی‌ها) را در داده‌ها- که شکل دهنده محتوای صریح داده‌هاست، می‌شناسد یا ارزیابی می‌کند. در تحلیل مضامین مکنون، شکل‌گیری و توسعه مضمون‌ها، کاری تفسیری است و تحلیل نیز صرفاً توصیف نیست بلکه نوعی نظریه‌پردازی است (Boyatzis, 1998, p.16). قالب مضامین معمولاً در

تحقیقاتی که تعداد متون و داده‌های آن‌ها زیاد باشد (مثلاً ۱۰ تا ۳۰ منبع) «قالب مضامین» به کار گرفته می‌شود. در این روش فهرستی از مضامین شناخته در ادبیات نظری و یا استخراج شده از متن داده‌ها به صورت درختی و سلسله‌مراتبی تنظیم می‌گردد (King, 1998, p. 263).

ماتریس مضامین^۱ از ماتریس مضامین جهت مقایسه مضامین با یکدیگر و یا مقایسه مضامین در منابع داده‌ها استفاده می‌شود. ماتریس، اساساً از تقاطع ردیف‌ها و ستون‌ها شکل می‌گیرد و در آن، ترکیبی از دو فهرست به صورت جدول توافقی، عرضه می‌شود. ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس مضامین می‌تواند به مضمون‌ها یا منبع داده‌ها یا سایر موارد اختصاص یابد. ماتریس مضامین جهت مقایسه مضامین با یکدیگر و یا مقایسه مضامین در منابع داده‌ها استفاده می‌شود. ماتریس، اساساً از تقاطع ردیف‌ها و ستون‌ها شکل می‌گیرد و در آن، ترکیبی از دو فهرست به صورت جدول توافقی، عرضه می‌شود.

شبکه مضامین^۲ شبکه مضامین روش مناسبی در تحلیل مضمون است. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)؛ سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان دهنده)؛ در قدم سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن درمی‌آیند. مضامین فراگیر^۳ این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (Attride-Stirling, 2001, p.390).

تحلیل مقایسه‌ای^۴: در این روش، مضامین در بین منابع و افراد مختلف باهم مقایسه می‌شود. از آنجایی که در تحلیل مضمون، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، هم‌زمان است از تحلیل مقایسه‌ای هنگام جمع‌آوری اطلاعات، کدگذاری داده‌ها، مرور ادبیات نظری و یادداشت‌های

1. Thematic Matrix
2. Thematic Network
3. overarching themes
4. Comparative Analysis

پژوهشگر استفاده می‌شود. با این روش، داده‌های به‌دست آمده از منابع مختلف، با یکدیگر مقایسه و تطبیق می‌شود تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها، شناخته شود؛ این فرایند تا جایی ادامه می‌یابد که پژوهشگر احساس کند نکته جدیدی از مقایسه داده‌ها حاصل نمی‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۹).

۳. مراحل انجام پژوهش و به‌کارگیری روش تحلیل مضمون در این پژوهش

این پژوهش به‌وسیله روش تحلیل مضمون رویکرد شبکه مضامین به اکتشاف مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی بر مبنای آرا و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است، در این پژوهش مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی به‌عنوان مضمون اصلی موردتوجه قرار گرفته است. از این سایر ارزش‌های تحقیق، جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق و تجربه محقق درباره موضوع در نحوه شناخت مضامین با توجه به این مضمون موردتوجه قرار گرفت. از آنجاکه تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و سریعی برای این وجود ندارد که مقدار داده‌های مناسب و موردنیاز - که دلالت بر وجود مضمون یا اطلاق آن کند - چقدر است. در این روش، مضامین در سطح آشکار و پنهان موردتوجه قرار گرفته است؛ بنابراین مضمون، لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد. در این روش تلاش شده است مضامین پایه‌ای، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر مورد تأکید قرار گیرد.

۴. مبانی هستی‌شناسانه نظریه پیشرفت سیاسی

اکثر محققان اسلامی معتقدند که هستی مترادف با حاکمیت مطلق خدا بر جهان آفرینش است و نتیجه منطقی آن توحید است که نخستین اصل اعتقادی اسلام است؛ زیرا معنی توحید، تنها خالق بودن خدا نیست، بلکه هدف‌دار بودن جهان، وابستگی کل نظام آفرینش به مبدأ حکیم وحی، قیوم، حرکت موزون و حساب‌شده کاروان هستی تحت یک مشیت حکیمانه هدایت هماهنگ همه موجودات به سمت کمالات شایسته که از او آغاز و به سوی او کشیده شده است (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص. ۲۵۹).

حاکمیت خداوند به معنای حضور همه‌جانبه خدا در عرصه زندگی انسان است. حاکمیت الهی بر نظام هستی مبنای توجیه هستی و معیار قوت و استحکام آن در عوالم مختلف - عالم سماوی و ارضی، عالم علوی و سفلی، عالم اخروی و دنیوی و عالم معقولات و محسوسات - است. عالم هستی جملگی بر پایه نظام احسن الهی خلق شده‌اند (ابن سینا، ۱۳۶۴، ص. ۲۸۳). توحید محور و مرکزیت اندیشه سیاسی امام خمینی است، این نوع قرائت از اسلام در عقیده با اعتقاد به توحید و تسلیم در برابر حق تأمین می‌شود، توحید شامل توحید الوهیت، ربوبیت، توحید اسما و صفات است (ربیعی و فرمانیان، ۱۳۹۴، صص. ۳۵-۳۴).

از نگاه این نوع اسلام، تأمل در توحید گویای این نکته است که هرچند در ظاهر، توحید به‌عنوان اصلی از اصول اعتقادی مسلمانان در کنار نبوت و معاد مطرح است، ولی در واقع این اصل اساس همه آنهاست و بازگشت آنها به توحید است؛ یعنی اساس هدایت انبیا، رهبری امامان، عدالت، آزادی و معاد انسان‌ها ریشه در توحید دارد. بر این اساس، نظام هستی نظامی معنادار و هدفمند است و خداوند برای آن برنامه دارد، در این قرائت اسلام دیدگاه واقع‌بینانه‌ای نسبت به نظام هستی دارد (دارابی کشفی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص. ۵۱۶).

کدگذاری مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه‌ای
<p>مبانی هستی‌شناسی پیشرفت سیاسی</p>	<p>حاکمیت الله</p>	<p>اعتقاد توحیدی بر انسان‌ها به دو نوع تأثیر سازنده اجتماعی و فردی دارد (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>
		<p>انسان گرویده به توحید تحت تأثیر این عقیده از ویژگی‌های همچون امید بی‌پایان، شور و تلاش خستگی‌ناپذیر، آسیب‌ناپذیری از ترس و طمع، وسعت دید و نظرگاه، جهت‌گیری درست و مشخص و... برخوردار است (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>
	<p>حاکمیت غیر الهی مردود است</p>	<p>اصل توحید با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد آزاد بودن انسان را تضمین می‌کند (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>
		<p>هر کسی که معتقد به وحدانیت خداست و توحید را قبول دارد. باید انسان را آزاد بگذارد (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>
		<p>آزادی اسلامی متکی بر توحید است... (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>
		<p>روح توحید عبارت است از اینکه عبودیت غیر خدا باید نفی بشود (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>
		<p>اطاعت از خدا به این معناست که احکام الهی را عمل کند. نظامی را که الهی است و متکی بر تفکر الهی است قبول کند. رهبر و زمامداری را که ارزش‌های الهی را دارد رهبر و زمامدار بداند از او اطاعت کند (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>
		<p>اطاعت از خدا به این معناست که احکام الهی را عمل کند. نظامی را که الهی است و متکی بر تفکر الهی است قبول کند. رهبر و زمامداری را که ارزش‌های الهی را دارد رهبر و زمامدار بداند از او اطاعت کند (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>
<p>اطاعت از خدا به این معناست که احکام الهی را عمل کند. نظامی را که الهی است و متکی بر تفکر الهی است قبول کند. رهبر و زمامداری را که ارزش‌های الهی را دارد رهبر و زمامدار بداند از او اطاعت کند (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>		

آیت‌الله خامنه‌ای در نقش اعتقاد توحیدی بر انسان‌ها به دو نوع تأثیر سازنده توحید اشاره می‌کند: سازندگی اجتماعی؛ سازندگی فردی؛ و در مورد قسم دوم می‌گوید: تأثیرات این عقیده در روان و روحیه فرد گرویده نیز از شگفت‌آورترین ابعاد این اصل بنیانی دین است... انسان گرویده به توحید تحت تأثیر این عقیده از ویژگی‌های مهمی برخوردار است که امید بی‌پایان، شور و تلاش خستگی‌ناپذیر، آسیب‌ناپذیری از ترس و طمع، وسعت دیدگاه، جهت‌گیری درست و مشخص و... بخشی از آن را تشکیل می‌دهد.

اصل توحید با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد، آزاد بودن انسان را تضمین می‌کند؛ یعنی هر کسی که معتقد به وحدانیت خداست و توحید را قبول دارد، باید انسان را آزاد بگذارد. لذا شما می‌بینید در دعوت انبیا در سوره‌های مختلف قرآن، در سوره‌ی انبیا، در سوره‌ی اعراف، در چند سوره که از پیغمبران مختلف حرف می‌زند... در قرآن با همین لفظ و این مفهوم مکرر ذکر شده؛ بنابراین آزادی اسلامی متکی بر توحید است. این همان بحثی است که عرض کردم دامنه‌ی بسیار وسیعی دارد و خود ما، خود بنده در بحث‌های توحیدی در مهر و موم‌های گذشته، وقتی که اینجاها را و این موضوع را می‌خواستیم بحث کنیم... یعنی توحید در هر دینی و در دعوت هر پیغمبری معنایش این است که انسان باید از غیر خدا - چه آن غیر خدا یک شخص باشد، مثل فرعون، نمرودی؛ چه غیر خدا یک تشکیلات و یک نظام باشد، یک نظام غیر الهی؛ چه غیر خدا یک شیء باشد؛ چه غیر خدا هوی‌ها و هوس‌های خود او باشد؛ چه غیر خدا عادت‌ها و سنت‌های رایج غیر الهی باشد - و از هر چه غیر خداست، اطاعت و عبادت نکند و فقط از خدای متعال اطاعت کند (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹).

۵. مبانی معرفت‌شناسی نظریه پیشرفت سیاسی

معرفت‌شناسی^۱ امروزه به صورت یک دانش مستقلی تعریف شده و تعاریف مختلفی برای آن ارائه شده است. معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به عنوان

1. Theory of knowledge=Epistemology=Gnostology

نظریه چستی معرفت و راه‌های حصول آن تعریف می‌شود.^۱ اگر نگاهی به مباحثی که در معرفت‌شناسی مطرح است بی‌اندازیم خواهیم دید که محور مرکزی همه مسائل آن، «علم و معرفت» است.^۲

معرفت‌شناسی علم توجیه باور است (حقیقت، ۱۳۹۵، ص. ۵۹). درباره اینکه منظور از علم و معرفت چیست بین معرفت‌شناسان اسلامی و غربی اختلاف نظر وجود دارد، مراد از آن نزد حکما اسلامی «مطلق علم و آگاهی» است، که البته دارای مراتبی است و بالاترین درجه آن «یقین» هست، ولی مقصود معرفت‌شناسان معاصر غربی از معرفت، علم و آگاهی است که آن را به «باور صادق موجه» تفسیر می‌کنند. طبق نظر نخست، معرفت اعم از مفاهیم (تصورات) و گزاره‌ها (تصدیقات و قضایا) است ولی طبق نظر دوم معرفت فقط شامل گزاره‌ها می‌شود (حسین‌زاده، ۱۳۸۲، صص. ۴۸-۴۷).

موضوع معرفت‌شناسی عبارت است از علم و شناخت؛ البته مقصود مطلق علم و آگاهی است، به این معنی که معرفت‌شناسی از شناخت بشری شامل تصور، تصدیق، علم حصولی و علم حضوری و ... بحث می‌کند. در اندیشه اسلامی موضوع اصلی معرفت‌شناختی حقیقت مطلق و در اندیشه معاصر غرب آگاهی موجه نامیده می‌شود (حسین‌زاده، ۱۳۸۲، صص. ۲۷-۲۶) رهبر انقلاب در تأثیر مبانی معرفتی بر پیشرفت سیاسی معتقد است، مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی خاصی دارد. مبانی تعیین‌کننده و بیان‌کننده نوع پیشرفت مطلوب و نامطلوب است. در زمانی شعار فرنگی شدن در ایران سر داده شد بی‌خبر از آنکه اروپا یک سابقه فرهنگی و مبانی معرفتی خاصی دارد ممکن است آن مبانی مورد قبول نباشد و با مبانی معرفتی و اخلاقی ایران همخوانی نداشته باشد. اروپا در دوران قرون وسطی، سابقه تاریخی مبارزات کلیسا با دانش را دارد؛ انگیزه‌های عکس‌العملی واکنشی رنسانس علمی اروپا در مقابل آن گذشته را نباید از نظر دور داشت.

۱. البته علت اینکه دو واژه «علم و معرفت» را مترادف گرفته‌ایم به خاطر اتفاق نظر اکثر معرفت‌شناسان بر روی این موضوع است و الا با نگاه دقیق خواهیم یافت که این دو دارای معانی متباین متعددی هستند (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۱، صص. ۶۴-۶۳).

۲. علم و معرفت بدین معنا شامل «غیر یقین» (اطمینان و ظن) هم می‌شود که در امور عرفی و روزمره جاری است

عقلانیت در دنیای مدرن به سه دسته عقلانت ابزاری که در حل و فصل مسائل فنی و ساختن وسایل کارآمد، عقلانیت انتخاب که در گزینش همساز میان گزینه‌های گوناگون و عقلانیت هنجاری که در حل و فصل وظایف اخلاقی - عملی منطبق با یک اخلاق متکی به اصول کاربرد دارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۲، ص. ۱۹۱). لالاند بین عقل مکون به معنای عقل بر سازنده یا کنشگر یا فاعل و یا عقل مکون یا عقل برساخته یا متعارف تمایز قائل است. عقلانیت در انقلاب اسلامی در جایگاه عقل مکون (برساخته) به نظمی از معرفت و دانش ناظر است که متناسب و متقارن با محیط فرهنگی و اجتماعی است (اسماعیلی، ۱۳۹۵، ص. ۸۶). مبنای عقلانیت در قاعده‌مندی رفتار و شخصیت و سپس افکار و گرایش‌های فکری است، عقلانیت بهره‌برداری از فکر و علم در انجام هر کاری است، عقلانیت سیاسی منتج به پیشرفت سیاسی زمانی نهادینه می‌گردد که افکار و رفتار شهروندان و دولتمردان مبتنی بر علم، مطالعه و نفعی جمعی باشد (سریع‌القلم، ۱۳۸۶، صص. ۲۴-۲۳). عقلانیت می‌تواند یا خود بنیاد و تنها محصول اندیشه آدمیان باشند یا عقلانیت هدایت‌شده، البته از خود بنیادی تمام‌عیار تا هدایت‌شدگی، طیف گسترده‌ای را می‌توان شاهد بود که در این میان، ظرفیت هدایت‌پذیری عقلانیت‌ها و اراده معطوف به هدایت‌طلبی در آن‌ها متفاوت است. خردورزی مهم‌ترین مبنا در تمدن نوین اسلامی است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص. ۵۷). تأثیر مبانی معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفت تأثیر مهمی دارد. مبانی معرفتی بیان‌کننده مشروعیت و عدم مشروعیت؛ مطلوبیت و عدم مطلوبیت، عادلانه یا غیرعادلانه پیشرفت است (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

جدول ۱: کدگذاری مبانی معرفت‌شناسی و حیانت - پیشرفت سیاسی

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
بعثت با این هدف در عالم پدید آمد که مکرمات‌های اخلاقی و فضیلت‌های روحی بشر عمومیت پیدا کند و به کمال برسد (۱۳۸۱/۵/۳۱).	وحی	معرفت‌شناختی
وحی، به سوی عرصه‌های گوناگون حیات جاری است... علم و حکمت محیط و لایتناهی الهی است که همه زمان‌ها و مکان‌ها را در زیر بال همای خود می‌گیرد و بر همه سرزمین‌ها و کشتزارهای حیات می‌بارد و همه‌جا و هر زمان را سیراب می‌کند (۱۳۷۴/۱۲/۲۴).		
وحی تو را بر آنان فرو خواند و کلیدهای سعادت دنیا و آخرت را در دسترس آنان نهاد و در حیات بابرکتش، سرمشق قرن‌های طولانی انسانیت را گنجانید (۱۳۷۰/۳/۲۶).		

جدول ۲: کدگذاری مبانی معرفت‌شناسی عقلانیت - پیشرفت سیاسی

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
عقل از منابع دین است عقلانیت به معنای استخراج نیروی خرد انسانی و حاکم قرار دادن آن است (۱۳۸۸/۴/۲۹).	معنا و مفهوم عقلانیت	نقش عقلانیت در پیشرفت سیاسی
عقلانیت یکی از منابع دین در استنباط احکام و دستورات الهی و در کنار کتاب، سنت است (۱۳۷۲/۱/۲۸).		
عقلانیت کاربرد وسیعی بر تفکر و اعمال انسان دارد (۱۳۸۸/۴/۲۹)		
عقلانیت ابزاری برای فهم و تشخیص اهداف است (۱۳۸۳/۵/۲۵)		
عقلانیت به معنای به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات است (۱۳۹۰/۳/۱۴).		
عقلانیت قوه تدبیرگر و استدلال کننده است (۱۳۸۸/۴/۲۹).		

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
عقلانیت حلال مشکلات است (۱۳۸۸/۴/۲۹).	کارکرد عقلانیت	عقلانیت سوق دهنده به دین و عبودیت و مانع از اعمال سفیهانه و جهالت آمیز و دل دادن به دنیاست (۱۳۸۸/۴/۲۹).
احیای عقلانیت در جامعه ثمره انقلاب اسلامی است (۱۳۹۳/۵/۱)		
عقلانیت بر پایه مبانی، اصول و باورهایی اصیل شکل می‌گیرد (۱۳۹۰/۶/۱۷).		
عقلانیت را می‌توان به‌عنوان دوراندیشی و آینده‌نگری در تصمیم‌گیری معرفی کرد (۱۳۹۹/۸/۱۸).	عقلانیت و انقلاب اسلامی	به‌گونه‌ای که تبعات و جوانب یک اقدام در آینده در نظر گرفته شود (۱۳۹۹/۸/۱۸).
تلاش برای محقق نمودن مصالح واقعی جامعه از معنای اصلی عقلانیت است (۱۳۹۹/۸/۱۸).		
تلاش برای حفظ استقلال و عدم وابستگی را می‌توان عقلانیت نامید (۱۳۹۹/۸/۱۸).		
عقلانیت در جامعه سبب قدرت تحلیل بالا و صحیح، قدرت شناخت دشمن و تحلیل مسائل منطقه می‌شود (۱۳۹۰/۳/۱۴).		
عقلانیت در کنار نوگرایی و سماجت اسلامی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴).		
اگر عقلانیت در کنار سایر عوامل حضور نداشته باشد، آن‌ها نیز به انحراف کشیده می‌شوند (۱۳۸۸/۶/۱۶).		
عقلانیت مهم‌ترین ابزار در پیشرفت است (۱۳۹۰/۳/۱۴).		
نقشه و کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی - سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بوده است (۱۳۹۰/۳/۱۴).		
مردم‌سالاری، تدوین قانون اساسی، برگزاری رفراندوم قانون اساسی از مظاهر عقلانیت انقلاب اسلامی است (۱۳۹۰/۳/۱۴).		

عقلانیت در اندیشه ایشان برآمده از آموزه‌های فلسفی، عرفانی، فقهی، کلامی و بنیادهای هویتی اسلامی- ایرانی شکل گرفته و این نوع عقلانیت خود نظام دانایی به وجود آورده است. وی به عقلانیت رویکردی مبنایی و به‌عنوان یکی از ابزار معرفتی به آن توجه ویژه دارد، در پیشرفت سیاسی وفاداری به کتاب و سنت با عقلانیت توأم است. به بیان دیگر، عقل در کنار کتاب و سنت به‌عنوان حجت دریافتن سبک و شیوه در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع زندگی دینی لحاظ شده است دینی، عقل است؛ اصول اعتقادات را با عقل بایستی به دست آورد (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۷/۵). ایشان یکی از اهداف اصلی رسالت نبوی را برشوراندن عقلانیت و قدرت تفکر در میان مردم و آن را حلال مشکلات و سوق‌دهنده به دین و عبودیت و مانع از اعمال سفیهانه و جهالت آمیز و دل دادن به دنیا دانسته است، تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

ایشان عقلانیت را به معنای استخراج نیروی خرد انسانی، حاکم کردن و کاربرد وسیع آن در تفکرات و اعمال انسان برای فهم و تشخیص اهداف و ابزارها می‌دانند. عقلانیت یعنی به کارگیری خرد، تدبیر، فکر، محاسبات و قوه ادراک در کنار قوای حسی و قلبی؛ همچنین فکر و خرد، قوه تدبیرگر و استدلال‌کننده، موازین عقلی و ضابطه‌های صحیح فهم و تفکر را شامل می‌شود و یکی از منابع دین و استنباط احکام و دستورات الهی است که در کنار کتاب، سنت و اجماع به کار رفته است. علاوه بر این، گونه‌های مختلفی از عقل مانند عقل فلسفی، عقل معیشت، عقل معنوی و... در سخنان رهبر انقلاب کاربرد داشته است. معاضدت‌های معنایی با عقلانیت شامل حکمت، خردگرایی، محاسبه، درایت، تدبیر، تفکر، آزاداندیشی، منطق، استدلال و فلسفه‌های عمیق است؛ در مقابل، تقابل‌های معنایی با عقلانیت شامل عقلانیت انقلابی، محاسبه محافظه‌کارانه (چون محافظه‌کاری خلاف عدالت است)، قشری‌گری، تحجر، اسیر اوهام و تخیلات شدن و سازش‌کاری با دشمن نیز وجود دارد. ایشان دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانس را عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی معرفی کرده‌اند.

ایشان احیای عقلانیت در جامعه را ثمره انقلاب اسلامی آن را از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت قرار داده و انقلاب اسلامی را انقلابی عقلایی

دانسته که دارای تجربه‌های مفید ارزشمندی است، عقلانیت انقلاب اسلامی را نشأت گرفته از متن دین و غایت انقلاب اسلامی یعنی تمدن اسلامی را مبتنی بر عقلانیت دانسته است، پیوند میان عقلانیت و عقل کلی الهی و حقایق و حیاتی، مفهوم عقلانیت دینی را تبیین می‌کند، دینی بودن انقلاب اسلامی نه تنها مانعی بر حرکت عقلانی این نهضت تلقی نمی‌شود بلکه موجبات تعدیل و جلوگیری از غلبه احساس و عاطفه بر روند انقلاب به شمار می‌رود.

ایشان در میان عوامل مؤثر در فرایند تحقق پیشرفت سیاسی، نقش برجسته و ممتاز و درجه اولی برای عقلانیت قائل است، عقلانیت در کنار نوگرایی و سماجت اسلامی قرار می‌گیرد. عقلانیت در جامعه سبب قدرت تحلیل بالا و صحیح، قدرت شناخت دشمن و تحلیل مسائل منطقه می‌شوند. اگر عقلانیت در کنار سایر عوامل حضور نداشته باشد، آن‌ها نیز به انحراف کشیده می‌شوند. در این فرایند عقلانیت از مهم‌ترین ابزار است، همان‌گونه که نقشه و کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی-سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بوده است، رهبر انقلاب، انتخاب مردم‌سالاری به‌عنوان شیوه اداره حکومت، تدوین قانون اساسی به دست خبرگان منتخب ملت، برگزاری رفراندوم قانون اساسی و درنهایت سرسختی و عدم انعطاف امام در برابر دشمن مهاجم را از مظاهر عقلانیت امام خمینی و انقلاب اسلامی دانسته است. آیت‌الله خامنه‌ای مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم را چراغ راه تمدن اسلامی دانسته است. علم سلطه‌آور و جامعه صاحب علم قدرتمند است. علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است. ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هرگونه ارزشی است. در فرایند تحقق نظریه پیشرفت سیاسی عقلانیت سبب اعتدال در انجام امور می‌شود که مانع از وجود حرکت‌های احساسی، بی‌برنامگی و ... می‌شود، راه دستیابی به پیشرفت سیاسی را هموار می‌کند.

۶. مبانی انسان‌شناسی نظریه پیشرفت سیاسی

انسان نقشی تعیین‌کننده در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در اسلام دارد، انسان موجودی آزاد آگاه است و با انتخاب نقش آزادی در تربیت خویشتن به راه حق، به راه خدا، به راه پاکی و فضیلت و تقوا درآیند «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» «اگرهاشان هم نمی‌توانی بکنی چه رسد به اینکه آن‌ها با شمشیر مسلمان شوند» (بهشتی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶).

جدول ۳: کدگذاری مبانی انسان‌شناسی پیشرفت سیاسی

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
انسان گل سرسبد مخلوقات الهی است. (۱۴۰۳/۱/۸)	انسان اشرف مخلوقات است	مبانی انسان‌شناسی پیشرفت
انسان موجودی بی‌نهایت است (۱۴۰۴/۱/۴).		
انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند (۱۳۷۹/۹/۱۲).		
انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود (۱۳۷۹/۹/۱۲).		
انسان بزرگ‌تر از این عرض و طول محدود و تمتعات کوچک و حقیر است (۱۳۷۶/۱۱/۳۰).		
انسان یعنی همان موجود ارجمند و باارزشی و همه این دستگاه، آسمان‌ها و طبیعت و زمین و دریاها و این گردش و این قوانین برای اوست مال اوست و در تسخیر اوست (۱۳۷۹/۹/۱۲).		

مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
انسان فی نفسه حرمت دارد (۱۳۹۴/۱/۱).	انسان دارای حرمت است	
انسان مورد تکریم الهی است (۱۳۷۷/۶/۱۲).		
انسان خود بنیاد نیست؛ به راهنما و بعثت انبیا نیاز دارد (۱۳۷۰/۱۱/۱۳).		
کمال انسان با تخلق به اخلاق الهی است (۱۳۷۵/۹/۱۹).		
قدرت یک دولت و یک کشور، به حضور مردم است (۱۳۷۷/۷/۲۹).		
انسان نیازمند تعلیم، تزکیه و تربیت الهی است (۱۳۹۹/۲/۱۲).		
فطرت انسانی در عهد الست با خدا پیمان عبودیت بسته است (۱۳۶۸/۹/۲).	انسان دارای فطرت الهی است	
هدایت قرآنی، مربوط به همه‌ی گستره‌ی عظیم زندگی بشر است؛ یعنی این جور نیست که قرآن در یک بخشی انسان را هدایت کند و در یک بخش دیگری از موارد مورد نیاز بشر و زندگی بشر، انسان را مهمل بگذارد (۱۴۰۰/۱/۲۵).		
پاک انسانی در معرض آسیب و سقوط، انحراف، خود فراموشی، جهل، تجاوزگری، از خود بیگانگی، فساد، هواپرستی، درنده‌خویی است (۱۳۸۰/۱۲/۱۲).		

رهبر انقلاب بر اساس آموزه‌های اسلامی انسان را در مقابل خدا قرار نمی‌دهد، بلکه آن را گل سرسبد مخلوقات الهی می‌داند، موجودی بی‌نهایت است که عوامل بی‌نهایتی هم بر روی آن مؤثر است. انسان مجموعه‌ای از استعدادها و خصلت‌هاست. انسان بزرگ‌تر از این عرض و

طول محدود و تمتعات کوچک و حقیر است. «انسان یعنی همان موجود ارجمند و باارزشی و همه این دستگاه، آسمانها و طبیعت و زمین و دریاها و این گردش و این قوانین برای اوست مال اوست» و در تسخیر اوست. انسان برگزیده که با مجاهدت بر ضعفهای خودش فائق می‌آید می‌تواند از فرشته هم بالاتر باشد.

انسان از نظر ایشان دارای ویژگی‌های مبنایی زیر است: انسان فی نفسه حرمت دارد، انسان مورد تکریم الهی است، انسان خود بنیاد نیست؛ به راهنما و بعثت انبیا نیاز دارد، کمال انسان با تخلق به اخلاق الهی است، انسان منشأ قدرت‌های مادی و معنوی است، ایمان به خدا به انسان قدرت می‌دهد، انسان نیازمند تعلیم، تزکیه و تربیت الهی است، فطرت انسانی در عهد الست با خدا پیمان عبودیت بسته است، سنت الهی در تدبیر هستی در راستای سعادت انسان است، کمال انسان در دستیابی به هر دو بعد مادی و معنوی است، اسلام مطابق با همه نیازهای انسان طراحی شده است، سرشت پاک انسانی در معرض آسیب و سقوط، انحراف، خود فراموشی، جهل، تجاوزگری، از خودبیگانگی، فساد، هواپرستی، درنده‌خویی است. این نوع نگاه به انسان شکل دهنده به نوع پیشرفت سیاسی است.

۷. تأثیر مبانی فلسفی بر شکل‌گیری نظریه پیشرفت سیاسی

معرفت پیشرفت سیاسی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مبتنی بر تفکر نوصدرایی و معتقد به شناخت مرحله‌ای است؛ به این معنا که شناخت از طریق حس آغاز می‌شود، با استدلال عقلی سنجیده می‌شود و با شهود به کمال مطلق می‌رسد. مهم‌ترین ارزش معرفتی خاص در این حوزه معطوف به حکومت اسلامی و حاکمیت ارزش‌ها، اصول و مبانی سیاسی آن در زندگی اجتماعی - سیاسی است. اهمیت و ارزش این امر تا بدان جاست که تشکیل حکومت اسلامی یک وظیفه مهم محسوب می‌شود. این وظیفه مقدم بر تمامی احکام اولیه و ثانویه است. مشروعیت حکومت به تأیید فقیه است. این امر کاملاً متأثر از چیزی است که در مباحث معرفت‌شناسی به «مسئولیت شناخت» مصطلح شده است. مطابق این مسئولیت، هر دغدغه و ارزش معرفتی که برای ما اهمیت داشته باشد نسبت به آن مسئولیت داریم. این مسئولیت بدان معناست که اقدامی جهت حضور انضمامی آن در زندگی اجتماعی - سیاسی خود به عمل آوریم. این مسئولیت شناختی را، نسبت به معتقدات و شناخت سیاسی خود، در

منتها درجه‌اش برخوردار بود. این مسئولیت به معنای عملیاتی کردن معتقدات و معرفت‌های سیاسی در سطح کنش و بسیج سیاسی است. ولایت مطلقه الهیه منشأ اصلی ولایت سیاسی - اجتماعی است.

واقعیت ذهنی، بر مبنایی جامعه‌شناختی، به معنای «واقعیت است آن گونه که در آگاهی فرد ادراک می‌شود» (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۰). رهبر انقلاب همه دستاوردهای گران‌بهای علمای شیعه از عصر غیبت تا دوران معاصر را به‌عنوان بنیادهای اساسی تکوین اندیشه، میراث پایدار معرفت سیاسی و استحکام شأنت تاریخی نظریه‌های خود پذیرفته و در حوزه اندیشه و جامعه پیوند زده است. اعتقادات دینی نقشی اساسی در بروز آگاهی سیاسی در نظام معرفت‌شناختی دارد. این آگاهی به معنای دسترسی مستقیم ذهنی است به آنچه مبنای رفتار و کنش اجتماعی - سیاسی است. اصولاً ادراک آنان از واقعیت عینی، یعنی «واقعیت به‌صورت که نهادها آن را تعریف و تبیین می‌کنند» (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۰).

مبانی فلسفی نظریه پیشرفت بر مبنای دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای برگرفته از دستاوردهای گران‌بهای اسلام به‌خصوص علمای شیعه از عصر غیبت تا دوران معاصر را به‌عنوان بنیادهای اساسی تکوین اندیشه، میراث پایدار معرفت سیاسی و استحکام شأنت تاریخی است. در این تفکر عالم هستی بر پایه نظام احسن الهی خلق شده است (ابن‌سینا، ۱۳۶۴، ص. ۲۸۳) و نظام هستی، نظامی معنادار و هدفمند است و خداوند برای آن برنامه دارد (دارابی کشفی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص. ۵۱۶) و حاکمیت الهی بر این نظام مبنای توجیه هستی و معیار قوت و استحکام آن در عوالم مختلف است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۳، ص. ۲۸۴). هستی مترادف با حاکمیت مطلق خدا بر جهان آفرینش است و توحید، تنها خالق بودن خدا نیست، بلکه هدف‌دار بودن جهان و هدایت هماهنگ همه موجودات به سمت کمالات شایسته است (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ص. ۲۵۹). توحید محور و مرکزیت منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای است، این نوع قرائت از اسلام در عقیده با اعتقاد به توحید و تسلیم در برابر حق تأمین می‌شود، توحید شامل توحید الوهیت، ربوبیت، توحید اسماء و صفات است.

یکی از مبانی فلسفی اثرگذار در پیشرفت سیاسی معرفت‌شناسی است، معرفت‌شناسی علم توجیه باور (حقیقت، ۱۳۹۵، ص. ۵۹) و به تعبیری شناخت بشری اطلاق می‌شود (حسین‌زاده، ۱۳۸۲، ص. ۲۶). مصباح یزدی حصول به معرفت را در چهار شیوه حسی و تجربی، عقلی،

تبعیدی و شهودی دانسته است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۰). رویکرد معرفت شناختانه حاکم در قانون اساسی و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پیشرفت سیاسی بر «مبنای شرع مقدس و مبنای عقل» قابل تبیین است. این امر در عرصه سیاسی به لحاظ معرفت‌شناسانه، مبین نوعی خودمداری معرفتی میان‌مایه است؛ زیرا بر مبنای نوعی اعتقاد راسخ به معرفت‌شناسی فقهی و تأکید بر سنت‌های اسلامی است. به تعبیری دیگر این اندیشه برآمده از نوعی «جماعت معرفتی» (زاگزبسکی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۴) است که مبتنی بر علوم نقلی و دینی در اسلام است؛ زیرا هم به معرفت خویشتن اعتماد دارد و به برخی از دیگران (زاگزبسکی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴). در این نوع رویکرد معرفتی کلیه قوانین باید بر اساس کتاب و سنت باشد. نمی‌توانیم بگوییم که تمام قوانین و مقرراتمان بر اساس اسلام، قرآن و سنت باشد. بلکه باید همه مقررات متخذه از اسلام و رعایت خطوط کلی کتاب و سنت در محدوده آن‌ها بوده و مخالف آن‌ها نباشد (مجموعه نویسندگان، ۱۳۶۳، ص. ۳۱۵).

یکی از ارکان مبانی فلسفی پیشرفت سیاسی در نوع نگاه به انسان است، انسان محور تحولات بشری است، این تأکیدات فراوان برآمده از اصول عقیدتی و عملی، حاملان مسئولیت و صاحبان اصلی است. اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه نگاه به انسان معنا پیدا می‌کند. اسلام انسان را موجود دو ساحت دنیا و آخرت دانسته است، اگر تمدنی، فرهنگی و آیینی، انسان را تک ساحت دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطبق او، با پیشرفت در منطق اسلام متفاوت خواهد بود. کشور و جامعه اسلامی زمانی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. مبانی فلسفی پیشرفت سیاسی بر مبنای دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای برآمده بر نگاه آنان به هستی، معرفت و انسان است، در این گفتمان فکری خداوند حاکم بر نظام هستی است و حاکمیت دایره وسیعی دارد، انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات موجودی آزاد و آگاه است و با توجه به قوای شناختی که دارد توان دستیابی به خلیفه‌اللهی را دارد، پیشرفت سیاسی به‌عنوان یک حوزه از حوزه وسیع‌تر از پیشرفت و تکامل انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به تبیین مبانی فلسفی نظریه پیشرفت سیاسی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. مبانی فلسفی، شالوده و بنیان شکل‌گیری اندیشه‌ها به شمار می‌آیند و شامل سه محور اساسی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی هستند. در بُعد هستی‌شناختی، توحید و حاکمیت الهی به‌عنوان محور اصلی مسئله پیشرفت مورد تأکید قرار گرفته است. در حوزه معرفت‌شناسی، توجه به وحی و عقلانیت، جایگاهی ویژه دارد و به‌عنوان منابع معتبر شناخت در مسیر پیشرفت معرفی می‌شوند. در بُعد انسان‌شناسی، نگاه به انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات که شایسته بهترین امکانات در جهان مادی است، از ویژگی‌های بارز دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است. بر اساس این رویکرد، انسان باید در جهت دستیابی به برترین مراتب مادی گام بردارد تا بستر لازم برای سعادت اخروی فراهم گردد. مبانی فلسفی، نقش بنیادین در شکل‌دهی و معنا بخشی به پیشرفت سیاسی ایفا می‌کنند. پیشرفت سیاسی، در این چهارچوب، چشم‌اندازی مبتنی بر گفتمان توحیدی دارد و با بهره‌گیری از عقل و نقل، در راستای ارتقای جایگاه انسان به مقام خلیفه‌اللهی، گام‌های مؤثری برمی‌دارد.

منابع

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۴). النجاة. تهران: نشر مرتضوی.
- برگر، پیترو و لوکمان توماس (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت. ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهشتی، محمدحسین (۱۳۹۰). نقش آزادی در تربیت کودک. تهران: انتشارات بقعه.
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۲). پژوهشی تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۵). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: دانشگاه مفید.
- دارابی کشفی، سید جعفر (۱۳۷۵). میزان الملوک و طوائف و صراط المستقیم فی سلوک الخلائف. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، چاپ اول.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۶۵/۱۰/۱۹). خطبه‌های نماز جمعه تهران.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21488>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۸/۲/۲۷). بیانات در دیدار سران و معتمدان عشایر کردستان. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6834>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۱/۵/۳۱). بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3348>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۴/۱۲/۲۴). پیام به کنگرهٔ زمان و مکان در اجتهاد. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2788>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۸/۴/۲۹). بیانات در سالروز عید سعید مبعث. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۳/۵/۲۵). بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1173>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰/۳/۱۴). بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12595>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۳/۵/۱). بیانات در دیدار دانشجویان. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27046>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰/۹/۴). بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12834>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰/۳/۱۴). بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12595>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۸/۶/۱۶). بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8019>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۳/۷/۵). بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3251>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۰/۳/۲۶). پیام به کنگره عظیم حج.

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2464>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۲/۱/۲۸). پیام ولی امر مسلمین به کنگره

جهانی هزاره شیخ مفید. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=634>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۹/۹/۱۲). بیانات در دیدار کارگزاران

نظام.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۷/۶/۱۲). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ

دانشگاه تربیت مدرس. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2901>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۰/۱۱/۱۳). دیدار مسئولان نظام با رهبر

انقلاب در سالروز مبعث. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=573>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۵/۹/۱۹). بیانات در دیدار کارگزاران

نظام.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2820>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰/۶/۱۷). بایستی انقلاب را سر عقل

بیاوریم.

<https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=25180>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۹/۸/۱۸). چه چیزی عقلانیت است.

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=46693>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۴۰۳/۱/۸). درسنامه ترجمه قرآن / آیه ۱۵

سوره تغابن مال و فرزند نباید موجب غفلت از خداوند بشوند.

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=55887>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۴۰۴/۱/۴). استعداد بی‌نهایت انسان در مسیر

رشد و کمال. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=59837>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۹/۹/۱۲). بیانات در دیدار کارگزاران

نظام جمهوری اسلامی ایران. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9953>

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۶/۱۱/۳۰). دیدار مردم بندرعباس با رهبر انقلاب. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11403>.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۴/۱/۱). بیانات در حرم مطهر رضوی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29236>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۷/۷/۲۹). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2913&nt=2&year=1377>.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۹/۲/۱۲). پیام به مناسبت روز معلم. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=45470>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۶۸/۹/۲). پیام به گردهمایی فرماندهان پایگاه‌ها و نواحی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=360>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۴۰۰/۱/۲۵). بیانات در محفل انس با قرآن کریم. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47709>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۰/۱۲/۱۲). بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3110>
- ربیعی احمد و فرمانیان، مهدی (۱۳۹۴). *تنظیم القاعده*. ترجمه حسین الصافی، قم: مؤسسه دارالاعلام لمدرسه اهل‌البيت عليهم‌السلام.
- زاگزیسکی، لیندا (۱۳۹۱). *معرفت‌شناسی*. ترجمه کاوه بهبهانی، تهران: نشر نی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶). *روش تحقیق در علم سیاست*. تهران: انتشارات فرزانه روز
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵ (۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- doi.org/10.30497/smt.2011.163
- صدیقی، مجتبی، هرسیج، حسین و مسعودنیا، حسین (۱۳۹۶). بررسی نسبت پیشرفت علمی در جمهوری اسلامی با علم و تکنولوژی غربی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۱ (۴۱)، ۲۷-۵۰. https://www.rahyaftjournal.ir/article_60801.html

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶). *فقه سیاسی (نظام سیاسی و رهبری در اسلام)*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۹۶). *دین و پیشرفت*. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- مجموعه نویسندگان (۱۴۰۰). *درآمدی بر فرایند تدوین الگو*. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۶۳). *مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی*. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). *آموزش عقاید*. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). *کاوش‌ها و چالش‌ها، تحقیق و نگارش محمدمهدی نادری و سید ابراهیم حسینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*.
- مصباح یزدی (۱۳۹۶). *آموزش فلسفه*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ هیجدهم.
- معینی پور، مسعود (۱۳۹۱). *الگوی توسعه سیاسی در اندیشه امام خمینی*. قم: انتشارات معارف اسلام.
- مهاجر نیا، محسن (۱۳۹۱). *اندیشه کلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات اسلامی.
- نظری، محمدعلی (۱۴۰۲). *نظریه پیشرفت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای*. رساله پست دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نوروزی، علی (۱۳۹۶). *مبانی و مؤلفه های سیاسی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۷۳). *اخلاق ناصری*. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم.

- Attride-Stirling, J. (2001) .Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*,1(3), 385 -405.
<https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Boyatzis, R. E. (1998) . *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*. Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006) . Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), 101–77.
<https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- King, N. (1998) .Template analysis. in G. Symon & C. Cassell (eds.), *Qualitative Methods and Analysis in Organizational Research*, London: Sage.
- King, N. & Horrocks, C. (2010) . *Interviews in qualitative research*. London: Sage.
- Wickham, M. & Woods, M. (2005) .Reflecting on the Strategic Use of CAQDAS to Manage and Report on the Qualitative Research Process. *The Qualitative Report*, 10 (4),687 -702. Retrieved From <http://www.nova.edu/ssss/QR>